

بدعت بودن نماز رغائب

نماز رغائب از بدعت‌هایی است که در ماه رجب پیدا شده است، که در اولین شب جمعه ماه رجب بین نماز مغرب و عشاء صورت می‌گیرد، که روز پنج‌شنبه قبل از این جمعه را روزه می‌گیرند.

ریشه آن حدیثی موضوع و ساختگی است که از زبان پیامبر ﷺ درست کرده‌اند، صفت و اجر و ثواب این نماز به صورت زیر وارد شده است:

اوصاف آن

انس بن مالک از پیامبر ﷺ روایت کرده است که ایشان فرمود: «رجب شهر الله، وشعبان شهري، ورمضان شهر أمتي ...، وما من أحد يصوم يوم الخميس، أول خميس في رجب، ثم يصلي فيما بين العشاء والعتمة، يعني ليلة الجمعة، ثنتي عشرة ركعة، يقرأ في كل ركعة فاتحة الكتاب مرة، ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ﴾ (القدر: 1) ثلاث مراتٍ و ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ (الإخلاص: 1) اثنتي عشرة مرة، يفصل بين كل ركعتين بتسليمة، فإذا فرغ من صلاته صلى على سبعين مرة، ثم يقول: اللهم صلى على محمد النبي الأُمي وعلى آله، ثم يسجد فيقول في سجوده: سبوح قدوس رب الملائكة والروح سبعين مرة، ثم يرفع رأسه فيقول: رب اغفر لي وارحم وتجاوز عما تعلم، إنك أنت العزيز الأعظم، سبعين مرة، ثم يسجد الثانية فيقول مثل ما قال في السجدة الأولى، ثم سأل الله تعالى حاجته فإنها تقضى. قال رسول الله ﷺ: والذي نفسي بيده ما من عبد ولا أمة صلى هذه الصلاة، إلا غفر الله تعالى له جميع ذنوبه، وإن كان مثل زبد البحر، وعدد ورق الأشجار، وشفع يوم القيامة سبع مائة من أهل بيته، فإذا كان في أول ليلة في قبره، جاء بواب هذه

بدعت بودن نماز رغائب

الصلاة فيجيبه بوجه طلق، ولسانٍ ذلق، فيقول له: حبيبي أبشر فقد نجوت من كل شدة، فيقول: من أنت فوالله ما رأيت وجهاً أحسن من وجهك، ولا سمعت كلاماً أحلى من كلامك، ولا شممت رائحة أطيب من رائحتك، فيقول له: يا حبيبي أنا ثواب الصلاة التي صليتها في ليلة كذا في شهر كذا جئت الليلة لأقضى حقك، وأونس وحدتك، وأرفع عنك وحشتك، فإذا نفخ في الصور أظلت في عرصة القيامة على رأسك، وأبشر فلن تعدم الخير من مولاك أبداً»^۱.

ماه رجب ماه خداست، ماه شعبان ماه من (پیامبر ﷺ)، و ماه رمضان ماه امت من می باشد. هر کس روز پنجشنبه روزه بگیرد، یعنی اولین پنجشنبه ماه رجب، سپس بین مغرب و عشاء یعنی شب جمعه، دوازده رکعت نماز بخواند، در هر رکعت سوره فاتحه را یک مرتبه و سوره قدر را سه مرتبه و سوره توحید (قل هو الله احد) را دوازده مرتبه بخواند، و این دوازده رکعت را به صورت مذکور دو رکعت دو رکعت بخواند، بعد از اتمام نماز هفتاد مرتبه بر من (پیامبر ﷺ) صلوات بفرستد و بگوید: «اللهم صل على محمد النبي الأُمى وعلى آله»، سپس سجده برود و در سجده اش هفتاد مرتبه بگوید: «سبوح قدوس رب الملائكة والروح»، سپس سرش را بلند کند و هفتاد مرتبه بگوید: «رب اغفر لى وارحم وتجاوز عما تعلم إنك أنت العزيز الأعظم»، سپس سجده دوم را برود و مثل سجده اول آن را تکرار نماید، بعد از آن نیاز خود را از خدا بخواهد آن نیاز

۱- رواه ابن الجوزى فى الموضوعات، (۲/۱۲۴-۱۲۶) و می گوید: این حدیث بر پیامبر ﷺ بسته شده است و ابن جهیم (از راویان این حدیث) متهم به کذب است، شوکانی در الفوائد المجموعه، ص (۴۷) آن را آورده و می گوید: موضوع است، مردان آن مجهول هستند، فیروزآبادی در المختصر می گوید: به اتفاق موضوع است.

برآورده می‌شود، پیامبر ﷺ فرمود: قسم به آن کسی که جان من در دست اوست هر کس از زن و مرد این نماز را بخواند خداوند تمام گناهان او را می‌بخشد با اینکه گناهانش زیاد و به اندازه کف دریا و به اندازه برگ درختان باشد، و در روز قیامت برای هفتصد نفر از خانواده و طایفه‌اش شفاعت می‌کند، و زمانی که این فرد مُرد در اولین شب قبرش ثواب و پاداش این نماز نزد او می‌آید و با چهره‌ای شاد و زبانی فصیح به او می‌گوید: دوست من، مژده و بشارت بده از تمام ناراحتی‌ها نجات یافتی، می‌گویی: شما کیستی؟ به خدا قسم چهره‌ای زیباتر از چهره شما را ندیده‌ام، کلامی را شیرین‌تر از کلام شما نشنیده‌ام و بویی خوش‌تر از بوی شما را استشمام نکرده‌ام، به او می‌گوید: ای حبیب من، من ثواب و پاداش نمازی هستم که در فلان شب در فلان ماه خواندی، امشب آمده‌ام تا حق شما را ادا کنم و شما را از تنهایی نجات دهم، و وحشت و ترس شما را از بین ببرم، هرگاه قیامت آمد و نفخ در صور دمیده شد در عرصه قیامت بر سر شما سایه می‌افکنم، و مژده بده که از جانب مولایت هرگز خیر و برکت تمام نخواهد شد.

ابن جوزی می‌گوید: در بدعتش بسیار غلو و افراط کرده است، چون آن فرد که این نماز را می‌خواند باید روزه دار باشد، و شاید روز بسیار گرمی باشد، اگر روزه گرفت و نتوانست چیزی بخورد تا نماز مغرب را بخواند، سپس آن نماز را بخواند و این تسیحات طولانی و سجده‌های طولانی را انجام دهد، بسیار اذیت می‌شود، و من برای ماه رمضان و نماز تراویح حسرت می‌خورم و رشک می‌ورزم که چگونه این نماز (رغائب) برای آن مزاحم شده است؟! حتی عوام الناس آن را از نماز تراویح بزرگ‌تر

بدعت بودن نماز رغائب

و مهم تر می‌دانند! و کسانی هستند که در نمازهای جماعت حاضر نمی‌شوند ولی برای این نماز حضور پیدا می‌کنند.^۱

غزالی بعد از اینکه این حدیث انس را در مورد صفت نماز رغائب بیان می‌کند و آن را نماز رجب می‌نامد: (این نماز مستحب است!! و در این بخش آن را آورده‌ایم - نماز رجب و شعبان از جمله روایتی است که با تکرار سال تکرار می‌شود - با اینکه به مرتبه تراویح و نماز عید نمی‌رسند، چون این نماز (رغائب) را افراد آحاد روایت کرده‌اند، ولی من تمام اهل قدس را دیده‌ام که خیلی خوب از آن مواظبت می‌کردند و هرگز آن را از دست نمی‌دادند، و اجازه ترک آن را نمی‌دادند پس دوست داشتم آن را بیان کنم و بنویسم!!^۲

نماز رغائب اولین بار بعد از سال ۴۸۰ هجری در بیت المقدس پیدا شد که قبل از آن هیچ کس آن را نخوانده بود. از پیامبر ﷺ و هیچ یک از صحابه و یا تابعین و سلف صالح وارد نشده است که آن را انجام داده باشند.^۳

حکم صلاة الرغائب :

هیچ شکی در بدعت بودن نماز رغائب وجود ندارد، به خصوص اینکه در قرن‌های اخیر پیدا شده و صحابه و تابعین و اتباع تابعین و سلف صالح - رحمهم الله - آن را انجام نداده‌اند در حالی که برای انجام کار خیر از کسانی که بعد از آنها آمده‌اند حریص تر و فعال تر بودند، و میان عزین عبدالسلام و ابن الصلاح مباحثه و مناقشه علمی

۱- به کتاب الموضوعات ابن جوزی، (۲/۱۲۵-۱۲۶) مراجعه شود.

۲- به کتاب احیاء علوم الدین، ص (۱/۲۰۲-۲۰۳) مراجعه شود.

۳- به کتاب الحوادث و البدع، للطرطوشی، ص (۱۲۲) مراجعه شود.

خوبی وجود دارد که در لابلای آن به بدعت بودن این نماز تأکید می‌نماید. امام عزبن عبدالسلام قاطعانه بیان می‌کند که صلاة الرغائب به دروغ به پیامبر ﷺ نسبت داده شده است، و مخالف شریعت است، از چند جهت علما و از چند جهت عالم و جاهل را شامل می‌شود. اما آنچه شامل علما و به آنها اختصاص دارد دو قسمت است:

۱- اگر عالمی این نماز را انجام دهد عموم مردم فکر می‌کنند که این نماز از سنت‌های پیامبر ﷺ می‌باشد، با زبان حال که جای گفتن و بیان کردن را می‌گیرد بر پیامبر ﷺ دروغی را ساخته و نسبت داده است.

۲- اگر عالم آن را انجام دهد باعث می‌شود که عموم مردم برای پیامبر ﷺ دروغ بسازند و بگویند: این سنتی از سنت‌های پیامبر ﷺ است، و معلوم است که درست نیست باعث دروغ بستن برای پیامبر ﷺ شویم.

اما آنچه شامل عالم و جاهل می‌شود از چند جهت است:

صورت اول:

انجام و عمل نمودن به بدعت، متبدعین و بانیان آن را تشویق می‌کند که افترا و بدعت‌های خود را بیشتر نمایند، که تشویق و کمک برای کارهای باطل و نادرست در شریعت اسلام ممنوع می‌باشد، بلکه باید با آنها مقابله و مبارزه کرد، چون مبارزه و مقابله با منکرات در شریعت اسلام از خوب‌ترین و عالی‌ترین چیزها می‌باشد.

صورت دوم:

این نوع نماز خواندن با سکون در نماز یعنی عدم حرکات در آن مخالفت دارد، از این جهت که برای سوره اخلاص و سوره قدر عددی را تعیین کرده است، و معلوم است که شمارش آنها جز با حرکات بعضی از اعضا ممکن نخواهد شد.

بدعت بودن نماز رغائب

صورت سوم:

این نوع نماز با سنت خشوع و خضوع و حضور قلب در نماز در تضاد می‌باشد، و قلب در آن برای خدا فارغ نیست، و نمی‌تواند جلال و کبریاء و عظمت خداوند را احساس کند و همچنین نمی‌تواند معانی قرائت و ذکرهای آن را درک کند و در آنها تفکر نماید، چون زمانی که تعداد سوره‌ها را در قلب شمارش کند از خداوند غافل می‌شود، و به چیزی که مشروع نیست مشغول می‌شود، التفات (گرداندن) صورت در نماز از نگاه شرعی بد است، پس با بی‌توجهی به خداوند با قلب که جای عظمت و جلال خداوند است چگونه خواهد بود؟

صورت چهارم:

با سنت‌های نوافل در تضاد است، سنت این است که انجام سنت در خانه صورت گیرد و فضیلت بیشتری دارد، تا در مساجد، مگر شریعت آن را مستثنی کرده باشد مثل نماز باران، و کسوف، قال ﷺ: «صلاة الرجل في بيته أفضل من صلاته في المسجد إلا المكتوبة»^۱.

نماز انسان در خانه‌اش از نمازش در مسجد فضیلت بیشتری دارد مگر نمازهای فرض.

۱- رواه البخاری فی صحیحه المطبوع مع فتح الباری، (۲/۲۱۴)، کتاب الأذان، حدیث (۷۳۱) به لفظ: «فإن أفضل الصلاة صلاة المرء في بيته إلا المكتوبة» و مسلم، حدیث: (۷۸۱) کتاب صلاة المسافرين.

صورت پنجم:

این نماز با انجام سنت‌ها بصورت انفرادی در تضاد است، اصل در انجام نوافل انفراد است، مگر سنتی که شریعت آن را استثنا کرده باشد.

صورت ششم:

با تعجیل در افطار تضاد دارد، چون پیامبر ﷺ می‌فرماید: «لا يزال الناس بخير ما عجلوا الفطر»^۱.

پیوسته مردم با خیر و برکت همراه هستند به شرطی که در افطار عجله نمایند.

صورت هفتم:

این نماز با سنت خالی شدن قلب قبل از وارد شدن به نماز در تضاد می‌باشد، شخص نماز را شروع می‌کند در حالی که تشنه و گرسنه است، علی‌الخصوص در روزهای بسیار گرم، در صورت وجود مشاغلی که انسان را از نماز مشغول می‌سازد و امکان از میان بردن آنها وجود دارد درست نیست وارد آن نماز شد.

صورت هشتم:

آن دو سجده آن مکروه هستند، در شریعت وجود ندارد که با یک سجده منفرد که هیچ دلیل و سببی ندارد قصد تقرب به خدا کرد، تقرب به خدا اسباب و شرایط و اوقات و ارکانی دارد که بدون آنها جایز نخواهد شد، همچنان که بدون اسباب و شرایط و وقت معین وقوف در عرفه و مزدلفه و رجم شیطان و سعی بین صفا و مروه

۱- رواه البخاری فی صحیحه المطبوع مع فتح الباری، (۱۹۸/۴)، کتاب الصوم، حدیث (۱۹۵۷) و

مسلم، حدیث (۱۰۹۸).

بدعت بودن نماز رغائب

صحیح نخواهد بود، همین طور است با یک سجده تنها بدون سبب تقرب به سوی خدا ممکن نخواهد شد، مگر اینکه سبب و دلیلی وجود داشته باشد، به همین صورت است که با نماز و روزه در هر وقت و زمانی تقرب صورت نمی‌گیرد، خیلی اوقات جاهلان و نادانان به ظن خود بسوی خدا به چیزی تقرب می‌کنند که باعث دوری آنها از خداوند می‌شود ولی متأسفانه از آن آگاه نیستند.

صورت نهم:

اگر آن دو سجده مشروع و صحیح هم بودند، به علت عدم خشوع و خضوع در آنها با سنت در تضاد می‌باشند، چون شخص با ظاهر و باطن مشغول شمارش عدد تسیحات می‌باشد.

صورت دهم

پیامبر ﷺ می‌فرماید: «لا تلتفتوا لیلۃ الجمعة بقیام من بین الیالی، ولا تلتفتوا یوم الجمعة بصیام من بین الایام، إلا أن تكون فی صوم یصومه أحدکم».^۱

شب جمعه را از میان شب‌های دیگر به قیام و عبادت اختصاص ندهید و همچنین روز جمعه را از میان روزها به روزه اختصاص ندهید، مگر اینکه کسی از شما مجبور و واجب باشد آن روز را روزه بگیرد.

۱- رواه الإمام احمد فی مسنده، (۴۴۴/۶) و رواه مسلم فی صحیحه، (۸۰۱/۲)، کتاب الصیام، حدیث

صورت یازدهم

با آنچه که پیامبر ﷺ در اذکار سجود انتخاب کرده است مخالفت دارد، آن زمان که این آیه نازل شد: ﴿سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى﴾ فرمود: «اجعلوها فی سجودکم»^۱ آن را در سجده‌هایتان بخوانید. و «سبوح قدوس» با اینکه صحیح است از پیامبر ﷺ روایت شده است اما بدون «سبحان ربی الأعلی» وارد نشده است، و آن را بعنوان وظیفه و تکلیف بر امتش قرار نداده است، و روشن است که کسی جز خدا و رسول ﷺ او نمی‌تواند وظیفه‌ای را برای مردم تعیین نماید، و در ذکر «سبحان ربی الأعلی» ثناء و سپاس و حمدی وجود دارد که در «سبوح قدوس»^۲ نیست.

سپس عزین عبدالسلام می‌گوید: آنچه بر بدعت بودن این نماز دلالت دارد این است که علما که بزرگان دین می‌باشند و همچنین ائمه‌ی مسلمین از جمله صحابه و تابعین و اتباع تابعین و غیر آنها که در مورد شریعت کتاب‌هایی نوشته‌اند و بر تعلیم فرائض و سنت‌ها برای مردم خیلی حریص بوده‌اند از هیچ یک از آنها این نماز نقل نشده و آن را در کتاب‌های خود نیاورده‌اند، و یا در مجالس خود آن را بیان نکرده‌اند، و عادتاً محال است چنین سنتی وجود داشته باشد و این بزرگان دین از آن خبر نداشته باشند در حالی که الگو و قدوة مسلمانان هستند و برای تمام احکام از فرائض، سنت‌ها، حلال و حرام به آنها رجوع می‌شود، و چون سلطان کامل - رحمه‌الله - به یقین دانست این نماز

۱- رواه الإمام احمد فی مسنده، (۴۴۴/۶) و ابوداود فی سننه، (۵۴۲/۱)، حدیث (۸۶۹) و ابن ماجه فی سننه، حدیث (۸۸۷)، و صحیح ابن حبان. به موارد الظمان حدیث شماره: ۵۰۵، و مستدرک حاکم ۲/ ۴۷۷-۴۷۸ مراجعه شود.

۲- به کتاب المساجله، ص (۵-۹) و الباعث، ص (۵۲-۵۷) مراجعه شود.

بدعت بودن نماز رغائب

بدعت و افترا بر پیامبر ﷺ می‌باشد آن را در کشور مصر باطل اعلام کرد و آن را برداشت، پس سعادت و رستگاری برای کسی که امور مسلمین در دست اوست و برای از بین بردن بدعت‌ها و زنده نمودن سنت‌ها تلاش می‌کند.

و برای هیچ کس جایز نیست که به این روایت از پیامبر ﷺ استدلال کند که می‌فرماید: «الصلاة خیر موضوع»^۱ منظور نمازی است که به هیچ وجه با شریعت در تضاد نباشد، و این نماز به صورت‌های مختلف مذکور با شریعت در تضاد است، پس چه خیری در مخالفت با شریعت وجود دارد؟ به همین خاطر پیامبر ﷺ می‌فرماید: «شر الأمور محدثاتها، وکل محدثة بدعة، وکل بدعة ضلالة»^۲ خداوند همه ما را برای اطاعت و دوری از گمراهی و ابتداع توفیق دهد.

عزبن عبدالسلام می‌گوید: به من خیر رسیده که دو نفر (ابن صلاح و یک نفر دیگر) مجتهد که در واقع از آن خیلی دور هستند! برای اثبات این نماز سعی و تلاش کرده‌اند، و به خوب آن فتوا داده‌اند، که بدون شک این کلام آنها فاسد و خطا می‌باشد، اگر این فتوا از آنها صادر شده باشد و روایت صحیح باشد آنها این نماز را با مردم خوانده‌اند در حالی که به منهیات آن جاهل بوده‌اند اما ترسیده‌اند اگر از آن نهی کنند به آنها گفته می‌شود: چرا آن را خواندید و اقامه نمودید؟ تبعیت از هوا و هوس آنها را وادار کرده که چیزی را که شریعت آن را نیکو و پسندیده نمی‌داند، نیکو و پسندیده اعلام کنند، تا هوا و هوس خود را بر حق پیروز گردانند، اگر آنها به حق برگردند و آن را بر هوا و

۱- سیوطی در جامع الصغیر آن را بیان کرده است، (۲/۱۲۰)، حدیث شماره (۵۱۸۱)، و اشاره کره که طبرانی آن را در الأوسط روایت نموده و این روایت ضعیف می‌باشد.

۲- واه ابن ماجه فی سننه مرفوعاً إلى النبی صلی الله علیه وسلم (۱۸/۱) المقدمة. وفي سنده عبيدة بن ميمون الدني، قال

ابن حجر: مستور. تقريب التهذيب (۱/۵۴۵)

هوس‌شان ترجیح دهند، و به آنچه که صواب و حق است فتوا دهند، از فرورفتن در باطل بهتر است:

﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ فَعَلُوا مَا يُوعَظُونَ بِهِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَأَشَدَّ تَثْبِيتًا﴾ (نساء: ۶۶)

«و اگر اندرزهایی را که به آنان داده می‌شد انجام می‌دادند برای آنان بهتر بود و (ایمان) ایشان را پا برجاتر می‌کرد.»

خیلی جای تعجب است برای کسی که ادعا دارد جزو علما است و فتوا می‌دهد که این نماز بر پیامبر ﷺ موضوع و ساختگی است، سپس موافقت خود را با درست بودن آن اعلام می‌نماید، آیا این کار کمک به کسانی نیست که بر پیامبر ﷺ دروغ‌ها و افتراها درست می‌کنند؟ هر کس از هوا و هوس پیروی کند از راه خدا منحرف خواهد شد، همچنان که قرآن این مطلب را خیلی صریح و قاطعانه بیان می‌کند.

سپس به صحیح بودن آن فتوا داده‌اند در حالی که علمای شافعی رحمته‌م علیهم در صحیح بودن چنین نمازی اختلاف نظر دارند، هر کس نیت نمازی را بیاورد و در نیت خود آن را به صفتی توصیف کند، سپس آن صفت با نماز مخالفت پیدا کرد آیا نمازش در اساس باطل می‌شود؟ یا نفل و سنت برای او محسوب می‌گردد؟ در آن اختلاف مشهوری است که در کتاب‌ها بیان شده است^۱. این نماز با این روش، هر کسی آن را انجام دهد و معتقد باشد که از سنت‌های رواتب و مؤکد می‌باشد کمترین مراتب آن این است که در آن اختلاف نظر وجود دارد، والحمد لله رب العالمین^۲.

ابن صلاح کلام عزین عبدالسلام را که قبلاً بیان شد رد کرده است، و می‌گوید که صلاة الرغائب به بدعت‌های منکر ملحق نمی‌شود، می‌گوید: سؤال کرده‌اید - خداوند

۱- به شرح المهذب، (المجموع)، (۲۸۶/۳-۲۸۹) مراجعه شود.

۲- به کتاب المساجله، ص (۹-۱۲) و طبقات الشافعية (۲۵۱/۸-۲۵۵) مراجعه شود.

من و شما را هدایت دهد - از تعطیل و برداشتن صلاة الرغائب و منع مردم از آن که در این شب مبارک به انجام آن عادت کرده‌اند، و شکی در فضیلت و بزرگی آن وجود ندارد، و استدلال او به اینکه حدیث وارده ضعیف یا موضوع است و ادعا می‌کند که لازم است برداشته شود، و مردم در انجام آن افراط کرده و در مخالفت آن غلو نموده‌اند، تا اینکه بعد از این سخنان او را به مشمول این قول خداوند دانسته اند:

﴿ أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَى ﴿١﴾ عَبْدًا إِذَا صَلَّى ﴿٢﴾ أَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ عَلَىٰ الْهُدَىٰ ﴿٣﴾ أَوْ أَمَرَ بِالْتَّقْوَىٰ ﴿٤﴾ أَرَأَيْتَ إِنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ ﴿٥﴾ أَلَمْ يَعْلَمْ بِأَنَّ اللَّهَ يَرَىٰ ﴿٦﴾ كَلَّا لَئِنْ لَمْ يَنْتَه لِنَسْفَعًا بِالنَّاصِيَةِ ﴿٧﴾ نَاصِيَةٍ كَذِبَةٍ خَاطِئَةٍ ﴿٨﴾ فَلَيَدْعُنَّ آدِيَهُ ﴿٩﴾ سَنَدْعُ الزَّبَانِيَةَ ﴿١٠﴾ كَلَّا لَا تَطِعَهُ وَأَسْجُدْ وَاقْتَرِبْ ﴿١١﴾ ﴾

(علق: ۹-۱۹)

«آیا دیده‌ای کسی را که نهی می‌کند و باز می‌دارد بنده‌ای را چون به نماز می‌ایستد؟ ... هرگز هرگز! از او اطاعت مکن (و به نماز خواندن خود ادامه بده و در برابر پروردگار خویش سجده ببر و نزدیک شو)».

به همین خاطر علاقمند شدم و بر خود لازم دانستم در این مورد حق را بیان کنم و آن را توضیح دهم و هر گونه پرده و شبهه را از آن بردارم، پس از خداوند برای این کار طلب کمک کردم، سخن را کوتاه و مختصر آورده‌ام، و لاحول و لا قوة إلا بالله العلی العظیم، و حسبنا الله و نعم الوکیل و ما توفیقی إلا بالله علیه توکلت و إلیه أنیب.

می‌گویم: این نماز بعد از قرن چهارم میان مردم پیدا شد که قبلاً معروف و مشهور نبود، گفته شده است: در بیت المقدس بوجود آمده است، و آن حدیثی که در مورد آن آمده ضعیف و از نظر اهل حدیث ساقط الإسناد است. بعضی از اهل حدیث می‌گویند موضوع و ساختگی است، که نظر ما هم همین است، بعضی هم می‌گویند ضعیف

است، و اینکه رزین بن معاویه در کتاب خود به نام تجرید الصحاح آورده است و یا اینکه صاحب کتاب الإحياء (غزالی) آن را بیان کرده است دلیل بر صحیح بودن آن نمی‌شود و نمی‌توان بر آنها اعتماد کرد چون احادیث ضعیف زیادی در آنها وجود دارند. و جای تعجب است رزین چنین حدیثی را در کتاب خود با این نام آورده است! البته باید بدانیم که ضعف حدیث باعث نمی‌شود صلاة الرغائب باطل باشد و از آن منع شود، چون داخل کارهای مطلق می‌شود که در کتاب و سنت به آن اشاره شده است که نماز مطلق درست است و مطلق الصلاة با نصوص شریعت مستحب است، از جمله در صحیح مسلم از ابن مالک الأشعری روایت شده است که پیامبر ﷺ می‌فرماید: «الصلاة نور»^۱ نماز نور است، و آنچه از ثوبان و عبدالله بن عمرو بن العاص روایت کرده‌ایم که پیامبر ﷺ می‌فرماید: «استقيموا ولن تحصوا، واعملوا أن خیر أعمالکم الصلاة»^۲.

پیوسته بر راه درست باشید و عمل صالح انجام دهید که خوب‌ترین کارها نماز است.

۱- رواه الإمام احمد فی مسنده، (۳۴۲/۵) و مسلم فی صحیحہ، (۲۰۳/۱)، حدیث شماره (۲۲۳) و ترمذی فی سننه، (۱۹۷/۵)، و سنن ترمذی، ابواب الدعوات، حدیث شماره: ۲۵۸۳ و گفته: این حدیث حسن صحیح می‌باشد، و سنن نسائی ۵/۶ کتاب الزکاة، و سنن ابن ماجه، کتاب الطهارة، حدیث شماره: ۲۸۰.

۲- رواه الإمام احمد فی مسنده، (۲۷۶/۵) و ابن ماجه فی سننه، (۱۰۱/۱)، حدیث شماره (۲۷۷)، بوصیری در مصباح الزجاجة می‌گوید راویان حدیث مردان مورد اطمینان و ثقة هستند اما بین سالم و ثوبان انقطاع می‌باشد، و سنن دارمی: ۱/۱۶۸، و مستدرک حاکم ۱/۱۳۰ کتاب الطهارة.

ترمذی در کتاب خود در تعلیقی که بر حدیث عایشه - رضی الله عنها - وارد کرده است حدیثی را نقل می کند که مطلب را واضح تر و خاص تر بیان می کند، و آن حدیث را ضعیف نمی داند، می گوید پیامبر ﷺ می فرماید: «من صلی بعد المغرب عشرين رکعة بنی الله له بیتاً فی الجنة»^۱.

هر کس بعد از مغرب بیست رکعت نماز بخواند خداوند در بهشت قصری را برای او می سازد.

این مخصوص بین مغرب و عشاء است، که شامل صلاة الرغائب می شود از این جهت که دوازده رکعت در بیست رکعت جای دارد، و صفتهای اضافی که در این نماز وجود دارد که نوعیت و خصوصیت آن است مانع داخل شدن آن در این عمومیت نمی شود، که این نظریه در میان اهل علم معروف است، حتی اگر هیچ حدیثی هم در مورد صلاة الرغائب با آن توصیفات وارد نشده باشد باز هم انجام آن مشروع است، آن هم به دلایلی که بیان کردیم.

بسیاری از نمازهای مقبول و درست وجود دارند که دارای وصفهای خاص هستند که بر این وصفهای خاص نصی از کتاب و سنت وارد نشده است و گفته نمی شود! آن بدعت است. و کسی هم بگوید بدعت است خواهد گفت بدعت حسنه است، چون در اصل به کتاب و سنت برمی گردد. امثال این نمازها مثل کسی در وسط شب مثلاً پانزده رکعت نماز را با یک سلام یعنی پشت سر هم بخواند، و در هر رکعت یک آیه از پانزده سوره که پشت سر هم هستند را بخواند، و هر رکعت به دعائی خاص

۱- رواه الترمذی تعلیقاً بصیغة التضعیف، حدیث شماره: (۴۳۳) و ابن ماجه فی سننه، (۴۳۷/۱)، حدیث شماره: ۱۷۳۷، و در زوائد ابن ماجه: ۷/۲ آمده است: امام احمد در باره ی یعقوب بن ولید (از راویان این سند) می گوید: او از بزرگترین دروغگویان است.

اختصاص پیدا کند، این نماز قبول است و مردود نیست، و هیچ کس نمی‌تواند بگوید این نماز بدعت است و مردود می‌باشد، در حالی که در کتاب و سنت چنین صفاتی بیان نشده‌اند، و اگر حدیثی با سند برای آن گذاشته می‌شد آن حدیث را ابطال و انکار می‌کردیم، ولی نماز را انکار نمی‌کردیم، نماز رغائب هم بدون هیچ تفاوتی همین وضعیت را دارد والله اعلم.

برای این کار در احکام شریعت مثال‌ها و شواهد زیادی وجود دارند که قابل شمارش نیستند، بلکه اگر صفت زائد و اضافی وجود داشته باشد و منکر باشد و یکی از اصول شریعت آن را مردود بدانند این بدعت مذموم و مردود می‌باشد، و آنچه که در صلاة الرغائب گمان کرده می‌شود و به نظر می‌رسد به همین صورت می‌باشد، مسائلی وجود دارد که آنها را با دلیل واضح بیان می‌کنیم که در صلاة الرغائب وجود ندارند:

۱- تکرار سوره‌ها در آن وجود دارد:

جواب: این تکرار مکروهی نیست که منکر باشد، چون مثل آن وارد شده است، در بعضی احادیث تکرار سوره اخلاص وارد شده است، پس اگر آن را مستحب ندانیم از مکروهات منکر به شمار نمی‌آید چون دلیل قوی برای مکروهیت آن نداریم. و آنچه از بعضی از ائمه حدیث بر مکروهیت آن چیزهای وارد شده است، حمل بر مکروه بودن است که به معنی ترک الأولى^۱ می‌باشد، یعنی ترک آن بهتر است، چون کراهت چند صورت دارد که این یکی از صورت‌های آن است.

۱- ابن قیم جوزی می‌گوید: بسیاری از پیروان ائمه در این مورد دچار اشتباه شده‌اند، از این لحاظ که ائمه از بکار بردن، حرام بودن خودداری کرده‌اند، و لفظ کراهت را بکار می‌برند، و بعضی از پیروا

بدعت بودن نماز رغائب

۲- دو سجده جداگانه بعد از این نماز: ائمه در مکروه بودن چنین چیزهایی اختلاف نظر دارند، کسی که قول کراهت را انتخاب می‌کند راه چاره‌اش این است که آن را ترک کند، نه اینکه از اساس آن نماز را ترک کند، به همین صورت در تکرار سوره‌ها هم چنین است، حالا جایز است که آن اسم معروف بر آن نماز باقی بماند یا خیر، چون هدف ماندگار ماندن مردم بر چیزی است که به آن عادت گرفته‌اند، و مشغول شدن به عبادت در این زمان بوده، و حفاظت آنها از ترک نمودن آن می‌باشد والله اعلم.

۳- مقید بودن به عددی خاص و بدون قصد و هدف:

این مطلب هم مثل مطلب گذشته می‌باشد، این مانند کسی است که خود را مقید می‌سازد که هر روز یک هفتم یا یک چهارم قرآن را بخواند، و یا مثل مقید بودن عابدها به اذکار و اورادی که آن را انتخاب می‌کنند نه بر آن اضافه و نه از آن کم می‌نمایند والله اعلم.

۴- شمارش سوره‌ها و تسبیحات و غیره مکروه است چون قلب به شمارش آنها مشغول می‌شود:

جواب: این مشغول شدن ثابت نیست، بلکه با اختلاف قلب‌ها و احوال مردم فرق می‌کند، هر قلبی مشغول نمی‌شود.

شمارش آیات در نماز از عایشه - رضی الله عنها - و طاووس، ابن سیرین، سعیدبن جبیر، حسن و ابن ابی‌ملیکه و تعداد زیادی از سلف صالح روایت شده است.

ایشان کراهت را به صورت تنزیهی و بعضی ترک الأولى بکار برده‌اند، که این کار غلط و اشتباه بزرگی در مورد شریعت و ائمه می‌باشد. به کتاب إعلام الموقعین، (۱/۳۹-۴۰) مراجعه شود.

امام شافعی - رحمه الله - می فرماید: شمارش آیات در نماز اشکالی ندارد، نویسنده کتاب جمع الجوامع در منصوصات خود بدون اختلاف آن را از او نقل می کند، ابن منذر آن را از مالک، شافعی، احمد، اسحاق، ثوری و غیره روایت می کند.

و برای صلاة التسبیح^۱ هم برای او شهادت می دهد والله اعلم.

۵- با جماعت انجام می شود در حالی که نماز جماعت در نوافل مخصوص نمازهای عید، کسوف، خسوف، نماز باران، نماز تراویح و وترها می باشد.

جواب: حکم این مورد چنین است که جماعت فقط در این شش نماز سنت می باشد، و به این معنی نیست که در غیر آنها نهی شده باشد.

در کتاب مختصر الریبع از امام شافعی رحمته الله علیه آمده است که می گوید: امامت در نافله اشکالی ندارد، دلیل دیگر چیزی است که در صحیحین از ابن عباس - رضی الله عنهما - روایت شده است: «أنه بات عند رسول الله صلی الله علیه و آله لیلۃ، فلما قام یصلی صلاته من اللیل قام ابن عباس - رضی الله عنهما - یصلی خلفه، ووقف عن یساره فأداره إلی یمینه»^۲.

۱- ابن جوزی آن را در موضوعات می آورد، (۱۴۲/۲-۱۴۳). و بعد از اینکه حدیث صلاة التسبیح را با طرق مختلف بیان می کند می گوید: تمام این راهها ثابت نشده اند، و دلیل هر کدام را نیز بیان می کند، سپس می گوید عقیلبی می گوید پ: در مورد صلاة التسبیح حدیثی وجود ندارد که صحیح باشد.

۲- رواه البخاری فی صحیحہ المطبوع مع فتح الباری، (۲۱۲/۱)، کتاب العلم، حدیث شماره: (۱۱۷) و مسلم، کتاب صلاة المسافرین، حدیث شماره: (۷۶۳)، ابن صلاح این حدیث را بطور مختصر ذکر نموده و الا این حدیثی طویل است.

ابن عباس رضی الله عنهما شبی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله خوابید، هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله برخاست تا نماز شب بخواند، ابن عباس هم بلند شد و پشت سر ایشان نماز خواند و طرف چپ ایستاد، پیامبر صلی الله علیه و آله او را به طرف راستش چرخاند.

در روایت مسلم آمده است که او بلند شد تا نماز سنت را در شب بخواند.^۱ از انس رضی الله عنه روایت شده است: «أن رسول الله صلی الله علیه و آله أتاهم فی دارهم فی غیر وقت الصلاة، فصلی به وبأُمّ سلیم وأُمّ حرام».^۲

پیامبر صلی الله علیه و آله در غیر اوقات نماز به منزل آنها رفت با او و ام سلیم و ام حرام نماز خواند. در روایت ابی داود آمده است: «فصلی بنا رکعتین تطوعاً».^۳ دو رکعت نماز سنت با ما خواند.

در صحیحین هم مثل آن از عتبان بن مالک انصاری رضی الله عنه روایت شده است والله اعلم. ۶- این نماز به نوعی شعار و علامت ظاهر تبدیل شده است و ظاهر کردن شعار آشکار در دین ممنوع است.

جواب: این نماز عبادت است و در شریعت اصل و اساسی دارد، ظاهر شده و به آن رغبت و علاقه‌ی زیادی پیدا شده است، که این حالت باعث نمی‌شود که از اساس ریشه کن شود، پس چرا تخصص علمای مسلمین در علم فقه و سایر علوم دینی از تفسیر، تقسیم‌بندی، بررسی، تألیف، تدریس و غیره که به شعار و اعمال ظاهری تبدیل

۱- به صحیح مسلم، (۵۳۱/۱)، حدیث (۷۶۳ و ۱۹۲) کتاب صلاة المسافرين مراجعه شود.

۲- رواه الإمام احمد فی مسنده، (۲۱۷/۳) و مسلم فی صحیحه، حدیث (۶۶۰) و ابوداود فی سننه، حدیث (۶۰۸)، و سنن نسائی، کتاب الإمامة ۲ / ۸۶.

۳- رواه ابوداود فی سننه، (۸۶/۲)، کتاب الصلاة، حدیث شماره: ۶۰۸، و سنن نسائی ۲ / ۸۶ کتاب الإمامة.

شده‌اند در حالیکه در دین اسلام وجود نداشتند و در صدر اسلام نیز نبوده‌اند اینها بدعت نیستند و لازم نیست از آنها دوری کنیم؟ والله اعلم.

طرف مخالف به چیزهای دیگری استدلال می‌کند که قابل ذکر نیستند، اما جواب آنها این است که گفته شود: این نماز را بخوان، و در آن نماز آنچه را که گمان می‌کنی ممنوع هستند از آنها خودداری کن، همانطور که سابقاً بیان کردیم. آنچه که او به آن استدلال و اعتماد می‌کند این است که این نماز اختصاص به شب جمعه دارد، که این هم از آن نهی شده است، این دلیل هم خیلی مهم نیست، چون لازم نیست کسی که نماز رغائب می‌خواند در شب‌های دیگر نماز شب را ترک کند، و کسی که آن را ترک نکند شب جمعه را برای قیام و عبادت اختصاص نداده است، که این واضح و آشکار است والله اعلم.

با توضیحی که دادیم روشن شد که صلاة الرغائب به بدعت‌های منکر ملحق نمی‌شود!! و حوادث و چیزهای جدید دارای صورت‌های گوناگونی هستند، پس کسی که تشخیص نداشته باشد چیزها را به غیر آن تشبیه می‌کند!! والله اعلم. این توضیح و بیانی کافی بود - ان شاء الله - نظر مخالف را خاموش می‌نماید، و اگر معاند نباشد وصف آن را عوض می‌کند، و آن را به موافق تبدیل می‌نماید، و برای او جز بی‌قراری که هیچ فائده‌ای به دنبال ندارد باقی نخواهد ماند، و جز سر و صدا و ابهاماتی که گروه کمی که هوا و هوس آنها را فاسد کرده است به آن فریب نمی‌خورند، و ما شاء الله لا حول ولا قوة إلا بالله العلی العظیم وحسبنا الله وحده لا شریک له ونعم الوکیل.^۱

سپس عزبن عبدالسلام این ردیه‌های ابن صلاح را چنان بی‌ارزش و ضعیف می‌شمارد که می‌گوید: ستایش آن خدایی را سزد که جز او معبودی نیست، صلوات بر

۱- به کتاب المساجله، ص (۱۴-۲۷) مراجعه شود.

محمد ﷺ و آل او، آنگاه که من صلاة الرغائب موضوع و ساختگی را رد کردم و مخالف بودن آن را با سنت‌های مشروع از جهات مختلف بیان کردم که توضیح آنها گذشت، بعضی از مردم به مخالفت آن قیام کردند و برای نیکو جلوه دادن و اثبات آن سعی و تلاش می‌نمایند و می‌خواهند آن را از این جهت که نماز است به بدعت‌های حسنه ملحق نمایند. و من به این دلیل آن را رد کرده‌ام چون مجموعه صفات و ویژگی‌هایی دارد که بعضی از آنها حرام هستند، و بعضی دیگر مخالف سنت. طرف مخالف شروع کرده دشنام می‌دهد که من مردم را از عبادت منع می‌کنم، در حالی که من آن را رد نکرده‌ام به این خاطر که عبادت است، بلکه به خاطر ویژگی‌هایش آن را رد کرده‌ام، از چیزی نهی کرده‌ام که رسول الله ﷺ از آن نهی کرده است، و به آنچه پیامبر ﷺ از آن نهی کرده است اقتدا نموده‌ام، مثل نهی کردن پیامبر ﷺ از نماز خواندن در اوقات مکروه، پیامبر ﷺ به صرف نماز خواندن یا خشوع و ذکر و تلاوت در آن، از آن نهی نفرموده است، بلکه به خاطر چیزی که خاص آن است از آن نهی کرده است، و مسلم بن الحجاج با روایتی صحیح از پیامبر ﷺ روایت می‌کند: «أنه نهی عن اختصاص ليلة الجمعة بقیام من بین اللیالی».^۱

پیامبر ﷺ از اختصاص شب جمعه برای عبادت از میان شب‌های دیگر نهی کرده است.

و یک شرط واضح و آشکار این بدعت این است که باید در این شب انجام شود که پیامبر ﷺ از آن نهی کرده است.

پس بدبختی برای آن کس که آنچه را پیامبر ﷺ از آن نهی فرموده است بعنوان عبادت و نزدیک شدن به خدا قرار دهد، بعداً می‌گوید: مردم در شبی مبارک به انجام

۱- رواه الإمام احمد فی مسنده، (۴۴۴/۶) و مسلم فی صحیحه، (۸۰۱/۲). حدیث (۱۱۴۴، ۱۴۸)

آن عادت کرده‌اند که در فضیلت آن شب شکی نیست. عادت کردن کسی را که علم و دانش ندارد بعنوان حجت و دلیل انجام بدعتی که از آن نهی شده قرار داده است، البته مردم عوام و بی‌سواد آن را انجام می‌دهند، و همچنین کسانی که در علم شریعت آگاهی چندانی ندارند، سپس در فضیلت آن دچار اشتباه شده است، منظور ایشان شب جمعه‌ای است که در ماه رجب قرار دارد، در چه جایی فضیلت این شب جمعه بر شب جمعه‌های دیگر ثابت شده است؟ و اگر منظورش فقط شب جمعه است باز هم به خطا و اشتباه دچار شده است به این خاطر که آن را به ماه رجب مقید نموده است!! و همچنین در تعبیر خود از مبالغه در کمک به دین و از بین بردن بدعت‌ها با لفظ اسراف و غلو به خطا رفته است.

و اما مثالی که با این آیه بیان کرده است:

﴿ أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَى ﴿١﴾ عَبْدًا إِذَا صَلَّى ﴿٢﴾ أَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ عَلَىٰ الْهُدَىٰ ﴿٣﴾ أَوْ أَمَرَ ﴿٤﴾ بِالتَّقْوَىٰ ﴿٥﴾ أَرَأَيْتَ إِنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ ﴿٦﴾ أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَىٰ ﴿٧﴾ كَلَّا لَئِنْ لَمْ يَنْتَه لِنَسْفَعًا بِالنَّاصِيَةِ ﴿٨﴾ نَاصِيَةٍ كَذِبَةٍ خَاطِئَةٍ ﴿٩﴾ فَلْيَدْعُ نَادِيَهُ ﴿١٠﴾ سَدَّعُ الزَّبَانِيَةَ ﴿١١﴾ كَلَّا لَا تَطِعُهُ وَاسْجُدْ وَاقْتَرِبْ ﴿١٢﴾ ﴾

(علق: ۹-۱۹)

این فهم، تحریف قرآن است، آن را در غیر جای خود قرار داده است، این آیه علیه ابوجهل است که پیامبر ﷺ را از نمازی که به آن امر شده بود نهی می‌کرد، در حالی که انکار صلاة الرغائب، انکار نمازی است که پیامبر ﷺ از آن نماز نهی فرموده است، پس بر اساس سخن ایشان رسول الله ﷺ بنده‌ای را از نماز خواندن نهی می‌نماید، در حالی که نهی ایشان از انجام نمازها در اوقات مکروه می‌باشد.

و بیان می‌کند که در این مورد از خداوند طلب خیر و استخاره کرده است، و ظاهراً استخاره‌اش مثبت نبوده چون اگر مثبت بود حق را به او می‌فهماند و آنچه صحیح و درست بود به او الهام می‌شد.

سپس اعتراف می‌کند که این نماز بدعت و موضوع ساختگی است، پس با این سخن پیامبر ﷺ علیه او استدلال می‌کنیم «وشرُّ الأمور محدثاتها، وکل بدعة ضلالة» که بدعت‌های حسنه را از این قاعده مستثنی کرده‌اند، بدعت حسنه بدعتی است که مخالف سنت‌های پیامبر ﷺ نباشد بلکه باید موافق آنها باشد پس آنچه غیر از بدعت‌های حسنه باشد شامل عموم سخن پیامبر ﷺ می‌شود، «وشرُّ الأمور محدثاتها، وکل بدعة ضلالة» که صلاة الرغائب در معنی استثنا قرار نمی‌گیرد تا قاعدتاً به آن ملحق شود، و اما استدلال او به این حدیث پیامبر ﷺ «الصلاة نور^۱» و یا «واعلموا أن خير أعمالكم الصلاة^۲» صحیح نیست، این سخن به اجماع علما شامل نمازی می‌شود که از آن نهی نشده باشد، اما آنچه که شریعت از آن نهی کرده است نور نیست، بلکه ظلمت و تاریکی می‌باشد، و خیر الأعمال هم نیست چون هیچ خیری در مخالفت با پیامبر ﷺ و هیچ نوری در سرپیچی از او وجود ندارد:

۱- مسند امام احمد ۵ / ۳۴۲، و صحیح مسلم، کتاب الطهارة، حدیث شماره: ۲۲۳، سنن ترمذی، ابواب الدعوات، حدیث شماره: ۲۵۸۳ و گفته: حدیث حسن صحیح است، و سنن نسائی، کتاب الزکاة، باب وجوب الزکاة، و سنن ابن ماجه، کتاب الطهارة، حدیث شماره: ۲۸۰.

۲- مسند امام احمد ۵ / ۲۷۶، ۲۷۷، و سنن ابن ماجه، کتاب الطهارة، حدیث شماره: ۲۷۷. بوصیری در مصباح الزجاجة فی زوائد ابن ماجه ۱ / ۴۱ گفته: راویا این حدیث ثقه و ثبت هستند مگر در سند آن انقطاع وجود دارد؛ زیرا سالم ثوبان را ندیده است، اما این حدیث طرق دیگری دارد که در آن انقطاع نمی‌باشد که ابوداود طیالسی، ابویعلی موصلی و ابن حبان آن را روایت نموده‌اند.

﴿وَمَنْ لَّمْ تَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ﴾ (نور: ۴۰)

«هر کس خداوند برای او نوری و روشنائی قرار ندهد، نور و خیری برای او وجود نخواهد داشت».

«وَرُبَّ حَامِلٍ فُقَةٍ لَيْسَ بِفُقِيهِ»^۱.

و خیلی از کسانی که حمل کننده مسأله‌ای فقهی هستند در واقع فقیه و عالم به حساب نمی‌آیند.

و اما استدلال به آنچه ترمذی بعنوان تعلیق بر حدیث عایشه - رضی الله عنها - اخراج کرده است، که پیامبر ﷺ می‌فرماید: «من صلی بعد المغرب عشرين رکعةً بنی الله له بیتاً فی الجنة»^۲.

هر کس بعد از مغرب بیست رکعت نماز بخواند خداوند قصری را در بهشت برای او می‌سازد.

اگر عالم باشد می‌داند که تعلیق نمی‌تواند دلیل باشد پس چگونه به چیزی که قابلیت و صلاحیت استدلال ندارد استدلال می‌کند و بعنوان حجت آن را مطرح

۱- رواه الإمام احمد فی مسنده، (۱۸۳/۵) و رواه الترمذی فی سننه، (۱۴۱/۴)، حدیث شماره (۲۷۹۴)، بوصیری در زوائد ابن ماجه می‌گوید در سند این حدیث لیث بن احمد ابی سلیم وجود دارد که جمهور آن را ضعیف دانسته‌اند و مدلس است، برای تفصیل بیشتر به مصباح الزجاجة ۱/ ۳۲ و مستدرک حاکم ۱/ ۸۸ مراجعه شود.

۲- رواه الترمذی تعلیقاً بصیغة التضعیف، حدیث شماره (۴۳۳) ابواب الصلاة، رواه ابن ماجه فی سننه، (۴۳۷/۱)، حدیث شماره: (۱۳۷۳)، و در زوائد ابن ماجه آمده است: این سند ضعیف است چون یعقوب بن ولید در آن است، امام احمد می‌گوید او از دروغگویان بزرگ است، او حدیث را با دروغ درست می‌کرد، بوصیری گفته: بر ضعف او بین محدثین اتفاق نظر وجود دارد.

می‌نماید؟ و اگر گمان می‌برد که چنین چیزی حجت و دلیل است پس مذهب او این را اقتضا نمی‌کند، از طرف دیگر ابن ماجه سند این حدیث را در سنن خود بیان کرده است که در سند آن یعقوب بن الولید المدینی وجود دارد که خیلی دروغگو است و احادیث را خود درست می‌کرد، همچنان که احمد بن حنبل و ائمه دیگر این را بیان کرده‌اند، پس خیلی جای تعجب است برای کسی که آنچه از پیامبر ﷺ به طور صحیح روایت شده آن را ترک می‌کند و دنبال حدیثی می‌رود که هیچ قیمت و ارزشی ندارد. و اما داخل کردن حدیث صلاة الرغائب در این حدیث درست نیست، چون این حدیث - اگر صحیح باشد - این نماز شامل آن نمی‌شود، این نماز به خاطر ترغیب و تشویق گذاشته شده است و آن ترغیب هم به بیست رکعت مقید شده است که بدون این عدد و کمتر از آن محقق نخواهد شد.

و اما آنچه از ایجاد نمازهایی که بر اوصاف خاصی انجام می‌شوند، جواب آن این است که اوصاف دو قسمت دارد:

۱- اوصافی که مقتضی کراهت هستند مثل صفت صلاة الرغائب، این صفت‌ها بدعت مکروه هستند.^۱

۲- صفاتی که مقتضی کراهت نیستند بلکه از بدعت‌های حسنه محسوب می‌شوند، مثالی که ذکر کردیم شامل این قسمت می‌شود.

اما سخن او در این مثال: اگر حدیثی برای این نماز درست شده باشد آن حدیث را رد می‌کنیم ولی نماز را رد نمی‌کنیم. و در نماز الرغائب نیز همین مسأله باید رعایت گردد.

جواب: صلاة الرغائب با سایر موارد از چند جهت فرق دارد:

۱- به حکم بدعت در همین کتاب مراجعه شود.

- ۱- صلاة الرغائب با ویژگی‌هایی که دارد برای عامه مردم طوری وانمود می‌نماید که سنتی از سنت‌های پیامبر ﷺ است، اما در نمازی که در مثال ذکر شد چنین نیست.
- ۲- انجام دادن صلاة الرغائب عموم مردم را متوجه می‌سازد که بر پیامبر ﷺ دروغ ببنند و خصوصیات و ویژگی‌های آن نماز را به او نسبت می‌دهند و جزو سنت او به حساب می‌آورند، پس انجام‌دهنده در واقع دروغی را به پیامبر ﷺ نسبت داده است، برخلاف نمازی که بعنوان مثال ذکر شد.
- ۳- انجام دادن نماز الرغائب از چیزهایی است که واضعین و جاعلان حدیث را جرئت می‌بخشد و آنها را بر کارشان تشویق می‌کند چون دروغشان منافقانه و عمومی است، بر خلاف آنچه که در مثال بیان شد.
- ۴- انجام صلاة الرغائب همراه ویژگی‌های آن سنت‌های زیادی را در ضمن دارد، بر خلاف آنچه که به آن مثال آورده شد.
- ۵- کسی که معتقد است صلاة الرغائب سنت راتبه می‌باشد بر او واجب است که صحت آن را به طرف مخالف ثابت کند، و در صلاة الرغائب شخص در نیت خود نماز را توصیف می‌نماید سپس آن صفات با هم اختلاف پیدا می‌کنند. ولی در صحیح بودن آن نمازی که در مثال بیان شد اختلافی وجود ندارد. سپس حکم آن را چنین تقویت می‌کند که از بدعت‌های حسنه می‌باشد و می‌گوید: هر صفت زائد و اضافه‌ای که منکر باشد و یکی از اصول شریعت آن را رد کند این از بدعت‌های مذموم است و از چیزهای به وجود آمده و مردود می‌باشد، و انجام صلاة الرغائب با زبان حال دروغ بستن بر پیامبر ﷺ است، و سبب می‌شود که بر پیامبر ﷺ دروغ بسته شود، و جاعلان حدیث را تشویق و ترغیب می‌نماید، همه اینها را اصول شریعت مردود می‌داند، اما نسبت دادن منکر به صلاة الرغائب که در آن تکرار سوره‌ها وجود دارد، تکرار سوره‌ها

منکر شمرده نمی‌شود، و شریعت آن را منکر نمی‌داند، بلکه مشغول شدن قلب و غافل شدن آن را از خشوع و خضوع منکر می‌داند.

اما اینکه می‌گویند از مکروه منکر نیست، شبیه آن وارد شده است.

جواب: اگر منظور او از چیزهایی شبیه آن که در شریعت وارد شده است تسیحات

رکوع و سجود و تکبیرات عید می‌باشد از دو جهت با هم فرق دارند:

۱- رکوع و سجود و تکبیرات عید تعدادشان کم است و می‌توان ضمن انجام آنها

خشوع و خضوع هم داشت.

۲- شرعی بودن این عددها در نماز ثابت شده است، پس اگر خشوع با آن همراه

نباشد تقدیم آنها بر خشوع واجب است، در واقع یکی از دو چیزی را که شریعت به آن

دستور داده است بر دیگری مقدم کرده‌ایم، بر خلاف شمارش در صلاة الرغائب که

خیلی طولانی و مبنای شرعی ندارند، پس هر گاه نمازخوان عددها را شمارش کند و

انجام دهد خشوعی را که واجب است، با چیزی که مبنای شرعی ندارد از دست

می‌دهد.

و اما آنچه در بعضی احادیث از تکرار سوره اخلاص وارد شده است، اگر این

حدیث صحیح نباشد هیچ حجت و دلیلی در آن وجود ندارد.^۱ و اگر صحیح باشد و

دلیل بر جواز باشد ما جایز بودن آن را انکار نمی‌کنیم، و اگر دلیل بر مستحب بودن

۱- البته حدیث صحیح است، بخاری به صورت تعلیق آن را در صحیح خود آورده است، کتاب

الأذان، حدیث شماره (۷۷۴) ابن حجر در فتح الباری می‌گوید: ترمذی و بزار از بخاری از

اسماعیل بن ابی‌اوس و بیهقی ... روایت و وصل کرده‌اند. ترمذی می‌گوید: حدیثی حسن صحیح

غریب می‌باشد. به فتح الباری ۲/ ۲۵۷، و سنن بیهقی ۲/ ۶۱ و فتح الباری ۱۳/ ۴۳۷، ۴۳۸ کتاب

التوحید مراجعه شود.

باشد دو حالت دارد اگر خشوع با آن ممکن نبود، شرعاً خشوع بر آن مقدم است، و اگر خشوع با آن ممکن بود مانند تسیحات رکوع می‌شود.

و اگر بر مستحب بودن دلالت نکند مکروه می‌شود، چون در آن مقصود و هدف نماز از بین می‌رود، و قلب از خداوند غافل می‌شود، و از طرفی مجرد تکرار باعث نمی‌شود که شمارشش درست باشد، بسیاری از مردم چیزی را تکرار می‌کنند ولی از تعداد آن بی‌خبرند، اگر با تکرار از تعداد تعبیر کند عبارت بد او باعث می‌شود که از مقصود و هدف بسیار دور شود.

اما تأویل او مبنی بر اینکه بعضی از ائمه حدیث آن را مکروه دانسته‌اند و این کراهت حمل بر ترک الأولى می‌شود، در واقع بدون دلیل و حجت با چیزی که ظاهر و واضح است مخالفت می‌کند، کراهت در چیزی که از آن نهی شده است ظاهر و آشکار می‌باشد سپس حمل آن بر ترک الأولى هیچ دلیلی ندارد.

اما قول او در مورد هر دو سجده به نظر کسی که آنها را مکروه می‌داند: راه او آن است که آنها را ترک نماید پس کافی است، این درست نیست، و این انکار و رد بر صلاة الرغائب با تمام ویژگی‌ها و توابع و لواحق آن وارد می‌شود، چون ممکن نیست مجموعه‌ای را انکار و رد کنیم ولی منظورمان بعضی از اجزای آن باشد.

اما اینکه این مسکین بر ابقای این نماز حریص است و یا می‌خواهد شبیه این نماز وجود داشته باشد، این حرص در واقع حرص بر مخالفت رسول الله ﷺ می‌باشد، زمانی که پیامبر ﷺ از اختصاص عبادت به شب جمعه نهی می‌کند، مثل این است که طرف مخالف بگوید: اگر صلاة الرغائب به خاطر اینکه از جهاتی مکروه است صورت نمی‌گیرد پس مکروهی دیگر آورده شود که جای آن را بگیرد، تا از مخالفت با پیامبر ﷺ خالی نباشد؟!

و اما اینکه نسبت داده که منکر صرف مقید نمودن آن به عدد خاصی را انکار کرده!! این نسبت افترا و دروغ بستن می‌باشد.

و اما اینکه از جماعتی از علما نقل می‌کند که اجازه شمارش آیات را داده‌اند، ما هم جایز بودن آن را انکار و رد نمی‌کنیم، اما استدلال او به صلاة التسیح صحیح نیست چون این نماز هم صحت آن ثابت نشده است، پس هرگز خشوعی که در شریعت ثابت شده و از سنت‌های نماز است با چیزی که ثابت نشده که شمارش است ساقط و حذف نمی‌شود. سخن دیگر او که می‌گوید اقتدا و جماعت در نمازهای سنت درست است: ما هم آن را جایز و درست می‌دانیم، و منکر آن نبوده‌ایم، بلکه ما گفته‌ایم سنت در انجام آنها این است که به صورت فردی صورت گیرند، مگر آنهایی که استثنا شده‌اند و پیامبر ﷺ هم آن را انجام داده است، اما نه مثل یک عبادت مکرر که همیشه به این صورت آن را انجام داده باشد.

و همچنین استدلال او به اینکه ابن عباس - رضی الله عنهما - در نماز شب به پیامبر ﷺ اقتدا کرده است صحیح نمی‌باشد، چون به نظر امام شافعی تهجد (نماز شب) بر پیامبر ﷺ واجب بود، پس اقتدا به نماز سنت نبوده است، و اینکه روایت شده که پیامبر ﷺ برخواست تا نماز سنت بخواند این روایت، گمان راوی می‌باشد.

[من می‌گویم: این روایت وهم و گمان نیست بلکه یقین است، و راوی آن که ابن عباس است با قاطعیت آن را بیان کرده است، و مانند سایر احادیث دیگر آن را ذکر کرده و به طور جزم و قطع آن را روایت می‌کند].^۱

جواب آن چنین داده می‌شود:

۱- به صحیح مسلم، (۵۳۱/۱)، کتاب صلاة المسافرين، حدیث شماره (۷۶۳-۱۹۲) مراجعه شود.

انجام دادن نمازها چه واجب یا سنت، و چه به صورت فردی یا جماعت باشند باید طبق نظر و دستور صاحب شریعت یعنی حضرت محمد ﷺ باشد، آنجا که می‌فرماید:

«صَلُّوا كَمَا رَأَيْتُمُونِي أُصَلِّي»^۱.

نماز بخوانید آنچه‌تان که مرا می‌بینید نماز می‌خوانم.

جماعت در نمازهای سنت به نظر علما درست است، البته نه به طور دائم و همیشگی، چون پیامبر ﷺ در خانه خود و دیگران در نماز سنت امامت کرده، ولی در مساجد و جاهای مشهور این کار را انجام نداده اند، مگر آنچه از او در مورد نماز تراویح نقل شده است، پیامبر ﷺ مگر با دلیل از آنچه که شریعت تعیین کرده تجاوز نکرده است. در صلاة الرغائب دلیلی ثابت نشده تا بر نمازهای سنت قیاس شود، پس زمانی که خود ذاتاً باطل باشد چگونه بر چیزی که شرعی و صحیح می‌باشد قیاس می‌شود؟!

و اما حدیث انس و عتبان بن مالک - رضی الله عنهما - فرق میان آن و صلاة الرغائب این است که اقتدا در صلاة الرغائب باعث می‌شود که عموم مردم فکر کنند که این نماز و جماعت، سنت است و عبادتی در دین می‌باشد، بر خلاف آنچه که در حدیث انس و عتبان - رضی الله عنهما - واقع شده است، آن خیلی نادر و کم است، عموم مردم این طور فکر نمی‌کنند که سنت است، بلکه این طور فهم می‌کنند که جایز است و بر جواز آن هم اتفاق نظر وجود دارد.

اما آنجا که می‌گوید: این نماز به یک عبادت آشکار و ایجاد شده در دین تبدیل شده است، این نسبت افترا و دروغ است. و اما ایشان این نماز را به آنچه که فقها در تدوین اصول

۱- رواه احمد فی مسنده، (۵۳/۵) و رواه البخاری فی صحیحه المطبوع مع فتح الباری، کتاب الأذان،

فقه پیدا کرده‌اند تشبیه می‌نمایند و یا به فروع و مآخذ و دقائق و حقایق آن تشبیه می‌کند صحیح نیست، چون بیان کردیم صلاة الرغائب از جهت‌های مختلف که ذکر شدند از آن نهی شده است، پس چگونه قیاس چیزی که در سنت از آن نهی شده است بر چیزی که اجماع بر انجام دادن آن وجود دارد درست است؟!۱

اما قول او که می‌گوید: طرف مخالف به چیزهای دیگری استدلال کرده که قابل ذکر نیستند، در واقع عاجز شدن از جواب، باعث ایجاد این نظر شده است، و از طرفی هم می‌خواهد به عموم مردم بفهماند که جواب را نداده است در حالی که قدرت و توان جواب را هم دارد! و یا اینکه ایشان توان فهم آن را نداشته‌اند و از درک آن عاجز است.

وكم من عائب قولاً صحيحاً وآفته من الفهم السقيم^۱

بسیاری از کسانی که از قول و سخنی صحیح و درست عیب و ایراد می‌گیرند به خاطر فهم بیمار و ناقص آنها می‌باشد.

و اما جواب او به کسی که این نماز را انکار می‌کند: نماز را بخوان و از چیزهایی که گمان می‌کنی ممنوع هستند دوری کن، این جواب صحیح نیست، چرا که منکر نماز رغائب را با تمام ویژگی‌ها و خصوصیاتش رد می‌کند، اگر یکی از ویژگی‌های آن را ترک کند دیگر نمی‌توان نام صلاة الرغائب بر آن گذاشت.

۱- شعر از شاعر متنبی می‌باشد که اول آن:

فلا تقنع بما دون النجوم

إذا غامرت في شرف مروم

به دیوان متنبی، (۱۲۰/۴) مراجعه شود.

و اما آنچه در مورد آن حدیث صحیح که از نهی اختصاص عبادت در شب جمعه گفته شده که، این حدیث شامل کسی که شب جمعه و شب‌های دیگر غیر جمعه را عبادت می‌کند نمی‌شود، این هم درست نیست، چون او صلاة الرغائب را به طور مطلق برای کسی که آن را تخصیص می‌دهد یا تخصیص نمی‌دهد درست می‌داند، ما هم می‌گوییم: مکروه بودن آن از چند جهت واقع شده است، اگر بعضی هم موجود نباشد، بعضی دیگر برای نهی و کراهت بطور مستقل باقی می‌مانند. و اما اینکه می‌گوید حوادث و چیزهای تازه پیدا شده دارای صورتهای مختلف و گوناگون هستند و هر کس توانایی جدایی و تشخیص آنها را نداشته باشد آنها را به غیر نظیر و شبیه خود ملحق می‌کند.

این دلیلی است به ضرر و علیه خودش، که نتوانسته است در این مورد تشخیص و تمیز داشته باشد.

و اما آوردن کلمات رکیک و سخت و نامأنوس برای اینکه فصاحت خود را نشان دهد نوعی تکلف و رکاکت در آن وجود دارد که هر کس دنبال هوا و هوس رود خواستار آن است.

در این باره به صدور دو فتوا مطلع شدم که جواب آنها را داده است با اینکه در مسائلی به خطا رفته که به موضوع ما ارتباطی ندارد.

فتوای اول: بسم الله الرحمن الرحيم. بزرگان فقها و ائمه علیهم السلام در مورد صلاة الرغائب چه نظری دارند، آیا به صورت جماعت بدعت است یا خیر؟ و آیا حدیث صحیحی در مورد آن آمده است یا خیر؟ در این مورد برای ما فتوا دهید خداوند اجر و پاداش خیرتان دهد.

جواب: پروردگارا توفیق ده و رحمت خود را شامل ما کن.

حدیثی که در مورد صلاة الرغائب نقل شده بر پیامبر ﷺ بسته شده و موضوع می‌باشد، این نماز بدعت است و چهارصد سال بعد از هجرت پیدا شده است، ابتدا در شام ظاهر و در سایر کشورهای دیگر منتشر شد. هیچ اشکالی ندارد که انسان نماز بخواند بر این اساس که عبادت بین مغرب و عشاء در هر شبی مستحب است و همچنین هیچ اشکالی ندارد انسان بطور مطلق و بدون هیچ قیدی نماز بخواند، اما جماعت را در آن سنت بدانیم و آن را به عنوان یک عبادت آشکار قرار دهیم این از بدعت‌های منکر است، اما متأسفانه مردم برای انجام بدعت سرعت زیادی دارند والله اعلم. این صلاح آن را نوشته است.

ابن عبدالسلام می‌گوید: پوشیده نیست که قسمت‌های از این جواب صحیح است و در آن خلل نیز وجود دارد.

فتوای دوم: بسم الله الرحمن الرحيم. فقهای بزرگ و ائمه دین ﷺ در مورد کسی که می‌گوید نماز در شب رغائب و نیمه شعبان درست نیست و می‌گوید: آن شمعی که در آن شب روشن می‌شود حرام و تفریط است و می‌گوید: این کار بدعت است و هیچ فضل و ثوابی ندارد و حدیثی هم از پیامبر ﷺ در این مورد وارد نشده است آیا این رأی و نظر درست است یا اشتباه؟ برای ما فتوا دهید - خداوند از شما راضی باشد -.

جواب: خداوند توفیق دهد و رحم نماید. اما آن نماز مشهوری که در شب رغائب صورت می‌گیرد بدعت است، آن حدیث روایت شده هم موضوع وساختگی است. و این نماز چهارصد سال بعد از هجرت پیدا شد، و این شب هیچ تفضیل و برتری بر شب‌های دیگر جمعه ندارد.

اما شب نیمه شعبان فضیلت و بزرگی دارد، عبادت کردن در آن شب بصورت فردی نه به صورت جماعت مستحب است، اما جمع شدن مردم در این شب‌ها و آن را بعنوان

مراسم و عبادت گرفتن بدعتی منکر است و آنچه از درخواست نیازها و دعاها و امثال آنها آن اضافه کرده‌اند با شریعت موافقت ندارد و آن نماز هزار رکعتی که در شب نیمه شعبان خوانده می‌شود اصل و اساسی ندارد.

خیلی جای تعجب است که مردم بر این دو بدعت خیلی حریص هستند در عین حال برای سنت‌های موکدهٔ پیامبر ﷺ که مسلم و جای هیچ شکی نیستند کوتاهی می‌کنند - والله المستعان و هو یعلم - ابن الصلاح آن را نوشته است.

ابن عبدالسلام می‌گوید: خداوند نمان آنچه را که مردم به او نسبت داده آشکار نمود^۱.

از خداوند می‌خواهم ما را از امثال اینها محفوظ بدارد و آنچه که او به آن مبتلا شده است خداوند او را نجات دهد، امثال این مرد باید به او رحم شود و حسبنا الله ونعم الوکیل والحمد لله وحده وصلواته علی سیدنا محمد وآله وصحبه إلی یوم الدین^۲.

شیخ الإسلام ابن تیمیه - رحمه الله - می‌فرماید: هـ الرغائب اصل و اساسی ندارد، بلکه چیز تازه و پیدا شده‌ای می‌باشد، نه به صورت جماعت نه به صورت فردی مستحب نیست، در صحیح مسلم به طور صحیح و ثابت آمده است که پیامبر ﷺ از اختصاص شب جمعه برای عبادت و یا روزه نهی کرده است، و آن اثر و روایتی که آن

۱ - ذهبی در سیر اعلام النبلاء ۲۳ / ۱۴۲، ۱۴۳ گفته: بر خلاف اصول و قواعد خویش صلاة

الرغائب را تأیید نموده و نصرت داده است، اما برای او (ابن صلاح) فضیلتی نیز هست.

۲ - به کتاب المساجله، ص (۲۹-۴۲) مراجعه شود. به کتاب الباعث لإبسی شامه، ص (۳۹-۴۸) و

المدخل لإبن الحاج، (۴/۲۴۸-۲۷۷) مراجعه شود که رد خیلی خوبی بر ابن الصلاح نوشته است.

نماز را بیان می‌کند به اتفاق علما دروغ و موضوع است، و هیچ یک از سلف صالح و ائمه آن را ذکر نکرده‌اند.^۱

در جای دیگر می‌فرماید: به اتفاق تمام ائمه دین صلاة الرغائب بدعت است، پیامبر ﷺ و هیچ یک از خلفای ایشان آن را انجام نداده‌اند، و هیچ یک از ائمه دین مثل مالک، شافعی، احمد و ابوحنیفه - رحمهم الله - ثوری، اوزاعی، لیث و غیره آن را مستحب نمی‌دانند و به اجماع علمای حدیث این روایت که در مورد صلاة الرغائب آمده است دروغ و موضوع است.^۲

از شیخ الاسلام ابن تیمیه از صلاة الرغائب سؤال شد آیا مستحب است یا خیر؟
جواب داد:

پیامبر ﷺ و هیچ یک از صحابه و تابعین و ائمه دین هیچ کدام این نماز را نخوانده‌اند و مردم را نیز برای ادای آن تشویق و ترغیب نکرده‌اند، و همچنین هیچ فضیلت و برتری را برای این شب ذکر ننموده‌اند، به اتفاق تمام حدیث‌شناسان این حدیث که این نماز را روایت می‌کند دروغ و موضوع می‌باشد، به همین دلیل محققین می‌گویند: این نماز مکروه است و مستحب نمی‌باشد والله اعلم.^۳

از امام نووی - رحمه الله - در مورد صلاة الرغائب و نماز شب نیمه شعبان سؤال شد، آیا اصل و اساسی دارند؟

جواب داد: الحمد لله، این دو نماز را پیامبر ﷺ و هیچ یک از صحابه و ائمه اربعه - رحمهم الله - انجام نداده‌اند، و به آن اشاره هم نکرده‌اند، و هیچ یک از کسانی که به

۱- به مجموع الفتاوی، (۱۳۲/۲۳) مراجعه شود.

۲- به مجموع الفتاوی، (۱۳۴/۲۳) و الإختیارات، ص (۱۲۱) مراجعه شود.

۳- به مجموع الفتاوی، (۱۳۵/۲۳) مراجعه شود.

آنها هم اقتدا می کنند آن را انجام نداده اند، هیچ روایتی را در این مورد بیان نکرده اند، بلکه این نمازها در زمان های بعدی پیدا شده اند و از بدعت های منکر و حوادث باطل محسوب می شوند، و در حدیث صحیح آمده است که پیامبر ﷺ می فرماید: «ایاکم ومحدثات الأمور، فإن کل محدثة بدعة ضلالة».^۱

از اینکه به امور دین چیزی را اضافه کنید خودداری کنید، چون این کار بدعت و گمراهی است.

در صحیحین از عایشه - رضی الله عنها - روایت شده که می گوید: پیامبر ﷺ فرمود: هر کس چیزی را به دین ما اضافه کند که از دین نباشد مردود است.^۲
در صحیح مسلم هم آمده است پیامبر ﷺ می فرماید: «من عمل عملاً ليس عليه أمرنا فهو رد».^۳

هر کس کاری را انجام دهد که برای انجام آن دستور و امر ما وجود نداشته باشد آن کار مردود می باشد.

بر همه لازم است از این نماز خودداری کنند، از آن دوری نمایند، باید از آن تنفر داشت و انجام دادن آن را تقبیح کرد، و باید به صورت عمومی از آن نهی کرد، چون

۱- رواه ابن ماجه فی سننه مرفوعاً الى النبي ﷺ، (۱۸/۱) المقدمة فی سننه عبيد بن ميمون المدني، ابن حجر می گوید مستور است، به تقریب التهذيب ۱/ ۵۴۵ مراجعه شود.

۲- صحیح بخاری با فتح الباری، کتاب الصلح، حدیث شماره: ۲۶۹۷، رواه مسلم فی صحیحہ کتاب الأفضیه، حدیث شماره (۱۷۱۸).

۳- رواه مسلم فی صحیحہ کتاب الأفضیه، حدیث شماره (۱۷۱۸).

پیامبر ﷺ می فرماید: «من رأی منکم منکراً فلیغیره بیده، فان لم یستطع فبلسانه، فان لم یستطع فبقلبه»^۱.

هر کس از شما منکری را دید باید به دست و قدرت آن را تغییر دهد، اگر توانایی نداشت باید با زبان آن را تغییر دهد، اگر نتوانست باید با قلب از آن متنفر باشد. بر عالمان دین واجب است مردم را از آن بترسانند و بیشتر از مسائل دیگر از آن روی گردان باشند چون مردم از آنها پیروی می کنند. و نباید هیچ کس فریب این را بخورد که در میان مردم شایع شده و مردم عوام و غیره آن را انجام می دهند، چون پیروی و اقتدا فقط به پیامبر ﷺ و به آنچه که دستور داده است صحیح است نه به چیزی که از آن نهی کرده و مردم را از آن ترسانده است. خداوند ما را از بدعت‌ها مصون بدارد و از دچار شدن به مخالفات با خدا و رسولش ما را محفوظ نماید. والله اعلم.^۲

همچنین از نووی در مورد صلاة الرغائب پرسیده شد که سنت است یا بدعت؟ جواب داد: این نماز بدعتی قبیح و خیلی منکر می باشد، و مشتمل بر منکرات زیادی است پس باید آن را ترک و از آن اعراض نمود و کسی که آن را انجام می دهد باید

۱- رواه الإمام احمد فی مسنده، (۲۰/۳) و رواه مسلم فی صحیحه، (۶۹/۱)، کتاب ایمان، حدیث (۴۹)، و سنن ابوداود، کتاب الصلاة، حدیث شماره: ۱۱۴۰، و سنن ترمذی، ابواب الفتن، حدیث شماره: ۲۲۶۳ و گفته: این حدیث حسن صحیح است، و سنن نسائی، کتاب الإیمان، باب تفاضل أهل الإیمان، و سنن ابن ماجه، کتاب الفتن، حدیث شماره: ۴۰۱۳، و همه ی آن ها در آخر حدیث جمله ی: «وذلك أضعف الإیمان» را روایت نموده اند.

۲- به: مساجلة، عزبن عبدالسلام و ابن صلاح در مورد صلاة الرغائب، ص (۴۵-۴۷) مراجعه شود.

جلو آن را گرفت و بر ولی امر - وفقه الله - واجب است که مردم را از آن منع نماید چون او مسئول است و در مقابل رعیت خود باید جوابگو باشد.

علما در رد این نماز کتاب‌هایی نوشته‌اند، و انجام‌دهندگان آن را سفیه معرفی می‌کنند، و نباید فریب خورد که تعداد زیادی در مناطق مختلف آن را انجام می‌دهند و یا اینکه بگوییم در کتاب‌هایی مثل قوت القلوب^۱، احیاء علوم‌الدین^۲ و امثال آنها این نماز ذکر شده است. این نماز بدعتی باطل است، و این فرموده پیامبر ﷺ صحیح است: «من أحدث فی دیننا ما لیس منه فهو رد» هر کس در دین و برنامه ما چیزی را اضافه کند مردود است.

سپس بعضی از احادیث وارده را در مورد فتوای سابق ذکر کرده است. و خداوند دستور می‌دهد هنگام اختلاف به کتاب او مراجعه شود:

﴿فَإِنْ تَنَزَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ﴾ (نساء: ۵۹)

«و اگر در چیزی منازعه داشتید آن را به خدا (با عرضه به قرآن) و پیامبر ﷺ او (با رجوع به سنت نبوی ﷺ) برگردانید، اگر به خدا و روز رستاخیز ایمان دارید».

به پیروی از جاهلین و به غلط‌ها و اشتباه‌های خطاکندگان دستور نداده است^۳. والله اعلم.

ابن قیم جوزی می‌گوید: احادیث صلاة الرغائب شب؛ اولین جمعه ماه رجب همه آنها دروغ و از زبان پیامبر ﷺ درست شده‌اند.^۱

۱- تألیف محمد بن علی بن عطیه العجمی المکی متوفی ۳۸۶ هـ است، به کشف الظنون ۲ / ۱۳۶۱ مراجعه شود.

۲- تألیف ابی حامد غزالی متوفی ۵۰۵ هـ، به احیاء علوم‌الدین (۲۰۲/۱، ۲۰۳) مراجعه شود.

۳- به الفتاوی النوی، ص (۴۰) مراجعه شود.

بدعت بودن نماز رغائب

از توضیحاتی که گذشت برای خواننده محترم روشن می‌شود که این نماز در اولین جمعه ماه رجب صورت می‌گیرد، که رغائب نامیده می‌شود، این نماز بدعتی منکر می‌باشد و پیامبر ﷺ و خلفای او آن را مقرر نکرده‌اند و صحابه و تابعین و ائمه مشهور آن را مستحب ندانسته‌اند، در حالی که آنها حریص‌ترین مردم برای انجام کارهای خیر بوده‌اند، این حکم از سوی تعداد زیادی از علما که بر وسعت علم و ارزش و مقام آنها اتفاق نظر وجود دارد صادر شده است، و این حدیثی که صلاة الرغائب را ذکر می‌کند دروغ و افترا بر پیامبر ﷺ می‌باشد و ائمه حدیث بر دروغ بودن آن اتفاق نظر دارند، پس برای کسی که مدعی صلاة الرغائب است هیچ دلیلی وجود ندارد، والله اعلم.